

کتابها

دفتری در ادبیات و عرفان

مؤلف: دکتر حسین بهی
مترجم: سید الهام حسینی شیرازی
فصلنامه ای



فهرست*

- هشت شعر از کتلین رین / ترجمه و شرح دکتر حسین الهی قمش‌های ۷
- دو قطعه از هلن کلر / ترجمه دکتر حسین الهی قمش‌های ۲۵
- چهار شعر از آلفرد تنی سن / ترجمه و شرح دکتر حسین الهی قمش‌های ۳۱
- شعری از پیتر مانیکه / ترجمه و شرح دکتر حسین الهی قمش‌های ۳۷
- شعری از کریستینا روستی / ترجمه دکتر حسین الهی قمش‌های ۳۸
- شعری از ویلیام بلیک / ترجمه دکتر حسین الهی قمش‌های ۳۹
- یازده شعر از ویلیام شکسپیر / ترجمه دکتر حسین الهی قمش‌های ۴۱
- شعری از جرج مک دونالد / ترجمه دکتر حسین الهی قمش‌های ۵۱
- خط سلطان علی مشهدی ۵۵
- اسرار حج عاشقان / حکیم مهدی الهی قمش‌های ۵۶
- رباعیات خیام / خط میر عماد ۶۹
- برهوت بی فکری / هیدگر / ترجمه محمدرضا جوزی ۷۲
- خط استاد سید محمد احصایی ۸۱
- گلبانگ پهلوی / سید احمد بهشتی شیرازی ۸۲
- خط استاد سید محمد احصایی ۸۹
- شرح قطعه‌ای از خاقانی / سید احمد بهشتی شیرازی ۹۰
- گوته از شرق می گوید / صالح طباطبایی ۹۶
- خط عبدالرشید ۱۰۹
- احوال و آثار بوعلی قلندر / دکتر محسن کیانی ۱۱۰
- خط استاد سید محمد احصایی ۱۱۷
- رسالة الوجود / میر سید شریف جرجانی / تصحیح سید نصرالله تقوی ۱۱۸
- مولانادر مثنوی / دکتر توفیق ه. سبحانی ۱۲۶
- کجا!!! نمی دانم / دکتر محمد استعلامی ۱۶۲
- خط احد ترابی ۱۶۴
- مواقف / محمد بن عبدالجبار بن حسن نفزی / ترجمه محمدرضا جوزی ۱۶۵

* - مقاله نظر احمد سمعانی درباره رحمت خداوند که در دفتر اول کیمیا آمده است، عیناً از مجله صوفی چاپ لندن نقل شده است، از اینکه منبع این مقاله ذکر نشده بود، از بانیان آن مجله پوزش می طلبیم.

- ۱۷۵ لندی‌ها/به انتخاب و تحریر سیداحمد بهشتی شیرازی
- ۱۸۵ دو شعر از ا. بهار.
- ۱۸۷ خط میر عماد.
- ۱۸۸ طالبان شناخت خدای سبحانه و تعالی/خیام نیشابوری
- ۱۸۹ ذیل رباعی نامه /به اهتمام سیداحمد بهشتی شیرازی.
- ۲۰۱ فصلی از کتاب کلمات:
- ۲۰۳ سخنان بهاء ولد
- ۲۷۳ سخنان برهان‌الدین محقق ترمذی
- ۲۹۳ سخنان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی
- ۳۴۷ سخنان سلطان ولد
- ۴۱۷ فصلی از کتاب کتاب و کتابت:

کیمیا را شنیده‌ای؟ آیا کیمیایی گرانبها تر از عمر هست
یک نفس، مهر وصال جاوید و سعادت ابد است.
همت را یک نفس جمع کن، تمام زمین تو راست!

احمد غزالی

ان المبدّرین كانوا اخوان الشیاطین
مبدّران آنها اند که چند درم در خرابات خرج کنند؟ آن چه باشد
آنها اند که عمر عزیز را که سرمایه سعادت ابد است ضایع می‌گذارند.
گیرم عقوبت نباشد،
چنین جوهر را زیر سنگ نهادن و فانی کردن، دریغت نمی‌آید؟

شمس تبریزی

هشت قطعه شعر از کتلین رین

ترجمه و شرح: دکتر حسین الهی قمشهای

ORIGINAL SIN

I stand condemned, being born,
To cast the human shadow;
We darken each our sun,
Who have not done, but are, that wrong.

گناه اصلی

گناه اصلی من چیست؟

همین که زاده شدم

و چون سایه بر گوهر انسانی آویختم

ما هر یک خورشید خود را سیاه می‌کنیم

ما خود گناه خویشیم

به بودن، نه به کردن^۱

۱- عارفان پارسی‌گو نیز بودن را در برابر حق گناه شمرده و از آن توبه کرده‌اند.

هستی ما خار گلستان وجود است با رویت ای گل آفرین از خار تو به

الهی قمشهای

از این رو اغلب هستی به معنی خودبینی و خودپرستی به کار می‌رود و باید از آن توبه کرد یا پا بر سر آن نهاد یا آن را به باد فنا داد.

انالحق گفتن منصور نیز به حقیقت توبه از هستی منصور است و ترک دعوی انالمنصور.

بیا که ما سر هستی و کبریا و رعونت به زیر پای نهادیم و پای بر سر هستی

سعدی

دلخ هستی را بدور انداختم تا مگر گردد دلم دنیای عشق

مولانا

سیلاب نیستی را سر در وجود من نه کز خاکدان هستی بر دل غبار دارم

سعدی

سخن در این است که گناه کاری نیست کردنی بلکه حالی است بودنی و عارفان گفته‌اند عشق آن است که تو در میانه نباشی. از این رو عاشق را دیگر گناه نیست.